

اطلاعیه شماره ۷

کمیته اپوزیسیون ایرانی در تبعید علیه ترور - برلن

در هفته اول اکتبر سال جاری، علی فلاحیان وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی به دعوت اشمیت بائر - وزیر مشاور و مسئول هماهنگی سازمانهای اطلاعاتی و امنیتی آلمان - به این کشور وارد شد که علاوه بر ملاقات و گفتگو با شخص وی، با رؤسای سازمانهای یاد شده نیز، ملاقات داشت.

خبر این بازدیدها و گفتگوها که ابتدا بکلی مخفی نگهداشته شده بود، توسط سازمان اطلاعات انگلستان کشف و در اختیار مطبوعات گذاشته شد تا از این طریق افشاء گردد. پس از انعکاس وسیع این خبر در رسانه‌ها، فلاحیان طی مصاحبه‌ای که به ابتکار خود در محل سفارت ایران در بن ترتیب داد، ناچار همکاریهای وسیع سازمانهای امنیتی آلمان و ایران را بویژه در دو سال اخیر، علنی ساخت. اما به زعم خود کوشید، با تأکید بر محدوده این همکاریها در مبارزه علیه "تروریسم" و "قاچاق مواد مخدر" و اظهار رضایت از آن، ضربه وارده به این همکاریها را کم اثر سازد.

همزمان با انعکاس موضوع در مطبوعات، وزیر خارجه آمریکا، وارن کریستوفر، و همتای انگلیسی او، داگلاس هرد، هر یک طی یادداشت جداگانه‌ای، بخاطر این همکاریها به دولت آلمان اعتراض کردند. وزارت خارجه انگلستان پس از احضار سفیر آلمان و اعتراض به او، اینگونه ملاقاتها را بر خلاف قرارهای قبلی کشورهای جامعه اروپا بخصوص تصمیمات کنفرانس ادینبورو در مورد تماسهای آتی اعضای این جامعه با جمهوری اسلامی دانست.

یک روز پس از اعلام خبر ملاقات فلاحیان و اشمیت بائر، دادستانی ارتش جمهوری اسلامی اعلام کرد، گرهارد باخمن، معاون انجمن روابط اقتصادی ایران و آلمان، به جرم جاسوسی و تماس غیر قانونی با پرسنل ارتش، توسط آن دادستانی در تهران بازداشت شده است. محافل مطلع سفر فلاحیان به آلمان و پس از آن دستگیری باخمن را در ارتباط با شروع محاکمه کاظم دارابی و همدستانش در ماجرای ترور رهبران اپوزیسیون ایرانی در برلن، میدانند.

افکار عمومی آلمان با خشم و ناباوری به این تماسها و دیدارها اعتراض کرد. دادستانی کل تقاضای جلب و توقیف فلاحیان را نمود. اداره صدارت عظمی تقاضای دادستانی را با تمهید معرفی فلاحیان بعنوان مهمان رسمی دولت آلمان و در نتیجه مصونیت دیپلماتیک مترتب بر آن، رد کرد. اشمیت بائر و فوگل، سخنگوی دولت، در مصاحبه‌های خود اعتراض دولتهای آمریکا و

انگلیس را وارد ندانسته، علت ملاقاتها را انگیزه‌های انساندوستانه قلمداد کردند. باید توجه داشت که این موضعگیری دولت درحالی بود که مطبوعات و محافل مختلف آلمان، فلاحیان را مسئول بیش از ۲۸ ترور و قتل در اروپا دانسته، در این میان اسناد جدیدی در ارتباط با پرونده "میکونوس" نیز افشاء کرده بودند.

مجله فوکوس با تکیه به ادعای ۴۵ صفحه‌ای دادستانی می‌نویسد: « دارابی بعنوان جاسوس و مأمور *واوک*، دستورهای خود را از کنسولگری برلن دریافت می‌کرده و افسر فرمانده او، امانی فرانی، کنسول دولت ایران در برلن بوده است». براساس اطلاعات دادستانی، دارابی با سفارت ایران در بن نیز در رابطه مستقیم بوده، تا سال ۱۹۸۹ با حسن جوادی مأمور *واوک* و عضو هیأت دیپلماتیک سفارت تماس داشته است که پس از انتقال او، حسین غلامی که او نیز در پوشش دیپلماتیک بوده، مسئولیت دارابی را بعهده می‌گیرد. در ادعای دادستانی آمده است، شخصی بنام بهمن برنجیان که همراه با دارابی از مسئولین اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان اروپا بوده و برادرش، بهرام برنجیان، از فعالین همان اتحادیه، هر دو از مأمورین وزارت اطلاعات ایران می‌باشند. همچنین لبنانی‌های دستگیر شده نیز از اعضای حزب الله و امل بوده، که بعضاً در ایران تعلیمات تروریستی دیده‌اند. بنابراین برای دادستانی جای شکی نمی‌ماند که کارگذار و مسئول اصلی این قتلها، وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی و در رأس آن، شخص علی فلاحیان است.

اشمیت بائر طی مصاحبه‌ای اعلام می‌کند: « اگر اطلاعاتی که او از جزئیات پرونده دارد، معترضین هم می‌داشتند، به نتایج دیگری می‌رسیدند». اما با وجود اصرار خبرنگاران، حاضر به ادای توضیحات بیشتری در این زمینه نمی‌شود! نتیجتاً آقای فریت هیوف کوبش، رئیس دادگاه جنائی برلن، با ارسال استعلامی کتبی برای اشمیت بائر، اطلاعات ویژه او را خواستار می‌شود که متعاقباً، او ناچار اقرار می‌کند، اطلاعات ویژه‌ای بیش از آنچه در پرونده مضبوط است، در اختیار ندارد.

مجله اشپیگل در شماره ۴۳، ۱۹۹۲، خود در این باره می‌نویسد: « در جلسه کمیسیون کنترل پارلمانی، اشمیت بائر بازم آن افسانه دلایل انسانی را تکرار می‌کند. درحالی که در همان جلسه آقای فورچ تأیید می‌کند که سازمان اطلاعات آلمان در سال ۹۱ به ایران یک کامپیوتر داده و متخصصان این سازمان دو ماه تمام به جاسوسان ایرانی آموزش داده‌اند». در این مقاله همچنین آمده است که فلاحیان در سفر خود، درباره مهاجران سیاسی مخالف حکومت ایران از سرویس اطلاعاتی آلمان تقاضای کسب اطلاعات کرده است. اشپیگل می‌افزاید: « حقایقی وجود دارند که عملاً زیر فشارهای شخص وزیر، از افشای آن تاکنون جلوگیری بعمل آمده است».

پس از انتشار این مطالب، بازهم اخبار جدیدی مبنی بر همکاری نزدیک دو سازمان امنیتی در مطبوعات و از جمله در برنامه دوم تلویزیون سراسری آلمان، توسط یک متخصص برجسته مسائل اطلاعاتی و امنیتی فاش گردید. اشیگل در شماره بعدی خود مجدداً از حقایق بازهم بیشتری پرده برمی‌دارد: « به وزارت اطلاعات ایران نه یک، بلکه چهار عدد کامپیوتر تحویل داده شده است. . . . همچنین عده‌ای از ماموران **واواک** سال گذشته در ایالت بایرن دوره تعلیمات ویژه تعقیب و مراقبت را دیده و چندین دوربین مخصوص نیز برای این کار تحویل گرفته اند.»

بالاخره روزنامه برلینرتسایتونگ در شماره سوم نوامبر ۹۲ خود، بر مبنای یک گزارش داخلی اداره جنائی فدرال در اوایل سال جاری می‌نویسد: « دو ماه پس از ترورهای برلن، **واواک** نقشه ترور اعضای اپوزیسیون ایرانی را در کلن دنبال می‌کرده و مامور این ترور که به تاریخ ۱۵ نوامبر سال گذشته در فرانسه دستگیر شده، گذرنامه‌ای جعلی بنام احمد طاهری در دست داشته است. این شخص و همکار دیگرش که او هم از طرف پلیس تحت تعقیب قرار گرفته، هر دو در تدارک قتل دکتر کاظم رجوی در ژنو نیز دست داشته اند.

برای پلیس شگفت انگیز است که چگونه افرادی که در ترور سوئیس دست داشته اند، دوباره علنی شده، دست به فعالیتهای جدیدی زده اند؟ با توجه به این که آنان دارای گذرنامه‌های اصلی ایرانی بوده که هیچ اثری از جعلی بودن در آنها دیده نمی‌شود، پلیس به این نتیجه رسیده است که فقط از عهده یک دولت برمی‌آید تا با تامین چنین امکانات تدارکاتی و بدون هیچ مانعی، بتواند آنان را دوباره وارد عملیات کند. اداره جنائی آلمان به این نتیجه رسیده است که ترور برلن و همچنین تدارکات در کلن نشان می‌دهند که ایران در تعقیب و سرکوب مخالفان خود، از اعمال هیچگونه جنایتی حتی در خارج از کشور نیز ابا ندارد و به هیچ وجه ملاحظه روابط میان کشورها را نمی‌کند.»

اپوزیسیون جمهوری اسلامی در خارج از کشور، روابط اطلاعاتی-امنیتی دولت آلمان با رژیم تروریستی ایران را محکوم دانسته، خواهان افشاء و قطع این روابط می‌باشد.

ایرانیان آزاده!

در هرکجا که هستید و به هر شکلی که می‌توانید، اعتراض خود را به وزارت امور خارجه و دولت آلمان، از طریق نمایندگی‌های آن نشان دهید. همچنین از مسئولان کشورهای که در آن زندگی می‌کنید بخواهید تا با آوردن فشار به دولت آلمان، از این خواسته‌های بحق و انسانی، دفاع کنند.